



یکشنبه 2 اردیبهشت 1397 - 5 شعبان 1439 - 22 آوریل 2018

ترور "میرزا مصطفی افتخارالعلماء آشتیانی" در جریان نهضت مشروطه (1288 ش)

ترور "میرزا مصطفی افتخارالعلماء آشتیانی" در جریان نهضت مشروطه (1288 ش)
میرزا مصطفی افتخار العلماء آشتیانی متخلص به صها در حدود سال 1245 ش برابر با 1282 ق در تهران، در بیت علم و فقاقت و جهاد به دنیا آمد. پدرش آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی، رهبر نامدار نهضت تنباکو در تهران و مورد اعتماد میرزای بزرگ شیرازی در پایتخت بود. میرزا مصطفی پس از اتمام تحصیلات نزد پدر و دیگر اساتید، به اخذ اجتهاد نائل آمد و در جریان نهضت مشروطیت، به این قیام مردمی پیوست. وی از رهبران مسلم انقلاب مشروطه و مجتهدی مبارز بود. میرزا مصطفی تلاش می نمود تا بتواند بین مشروطه و مشروعه را جمع کند لذا از هر دو گروه کناره گرفت. سرانجام در جریان تحصن علما در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در ری که او نیز یکی از پیشتازان آن بود، توسط عده ای ناشناس، در نیمه شب دوم اردیبهشت 1288 ش، در چهل و سه سالگی به قتل رسید و در جوار حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد.

رحلت استاد برجسته و عالم محقق آیت الله "میرزا مهدی آشتیانی" (1332 ش)

میرزا مهدی آشتیانی، حکیم، عارف و دانشمند شیعی در حدود سال 1266 ش (1306 ق) در تهران متولد گردید. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمدرضا حکیم قمشه و آیت الله میرزا حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات، خارج فقه و اصول را نزد شیخ فضل الله نوری و آقا سیدعبدالکریم مدرس آموخت. وی از آن پس سال ها در تهران مدرس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار را داشت. در این میان شاگردان فرهیخته و آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدابراهیم آیتی، سیدجلال آشتیانی، مهدی حائری یزدی و بدیع الزمان فروزانفر و... از آن جمله اند. آیت الله میرزا مهدی آشتیانی در سال 1325 ش برابر با سال 1366 - 1365 هجری قمری، به استدعای فضلا و طلاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت و استاد شهید مرتضی مطهری در آن مدت قلیل توفیق استفاده از محضر او را داشت. میرزا مهدی آشتیانی بی گمان یکی از متبحرترین شارحان و مدرسان فلسفه بود ولی ذوق عرفانی او بر مشرب عقلی و اشغال غلبه داشت و این همه در آثار و شروح و حواشی او که البته از حد شرح و تفسیر بسیار فراتر می روند و خود، آثار مستقلی به شمار می روند، به خوبی هویداست. از این عالم برجسته و محقق توانا آثار متعددی بر جای مانده که: حاشیه شرح منظومه منطق و حکمت، اساس التوحید درباره قاعده "الواحد" در وحدت وجود از آن جمله است. میرزا مهدی آشتیانی سرانجام در دوم اردیبهشت 1332 ش برابر با نهم شعبان 1372 ق در 66 سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (1358 ش)

در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، بنا به فرمان حضرت امام خمینی (ره) به جوانان غیور و انقلابی ایران اسلامی، عده ای از دلسوختگان راستین و پیروان صدیق ولایت فقیه گرد هم جمع شدند و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پی ریزی کردند. پس از مدتی حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی در دوم اردیبهشت ماه 1358 طی فرمانی به شورای انقلاب، رسماً تأسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند و شورای انقلاب نیز با تأسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گامی اساسی در جهت سازماندهی این نهاد انقلابی برداشت. در اولین اطلاعیه سپاه، وظایف کلی آن چنین عنوان شده است: کمک به اجرای امور انتظامی و امنیتی، مبارزه مسلحانه علیه جریان های ضدانقلاب، دفاع در برابر حملات داخلی و خارجی، همکاری و هماهنگی با نیروهای مسلح نظام اسلامی، تربیت و آموزش اخلاقی و ایدئولوژیکی - سیاسی و نظامی کادر سپاه و... اگرچه سپاه هویتی نظامی دارد اما نظامی و گری در واقع يك بُعد از ابعاد این نهاد مکتبی است. سپاه نهادی نظامی در جهت اهداف و آرمان های والای انقلاب اسلامی است که حفاظت و نگهبانی از نظام و حکومت اسلامی مهم ترین رکن آن را تشکیل می دهد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در افقی فرازمند، دارای آرمان های مکتبی، انسانی و جهان شمول است که باید همیشه حرکت خود را به آن سو جهت دهد.

سالروز اعلام انقلاب فرهنگی (1359 ش)

در 28 فروردین 1359، تعدادی از دانشجویان مسلمان کنترل دانشگاه تبریز را به دست گرفتند و فردای آن روز، منافقین و گروهک های، دانشگاه تربیت معلم را تصرف کردند. به دنبال اولتیماتوم سه روزه از طرف شورای انقلاب به منافقین، مردم مسلمان، در دوم اردیبهشت 1359 موفق به شکست آنان شدند و این حرکت مورد تأیید امام قرار گرفت. پس از آن، ضرورت ایجاد می کرد تا دانشگاه ها برای مدتی تعطیل باشد تا تغییر و تحولی اساسی در تمام نظام

امام چهارم شیعیان حضرت امام سجاد(ع) در پنجم شعبان سال سی و هشت هجری در مدینه به دنیا آمد. در سال و ماه ولادت حضرت، اختلاف است ولی این تاریخ معتبرتر می‌باشد. ابومحمد و ابوالحسن از کنیه‌های ایشان و مشهورترین القابش، زین العابدین، سیدالعابدین و سجاد است. مادر وی شهربانو (شاه زنان) دختر یزدگرد سوم می‌باشد. آن حضرت در بقیه‌های حکومت یزید و حکومت معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک زندگی می‌کرده است. برای آن حضرت یازده پسر و چهار دختر ذکر کرده‌اند. درگذشت "محمد بن زکریای رازی" دانشمند نامدار جهان اسلام(313 ق)

محمد بن زکریای رازی در سال 251 ق در شهر ری به دنیا آمد. ابتدا به کیمیاگری پرداخت و در نهایت به شیمی روی آورد. سپس در علوم طب، هندسه، منطق و فلسفه نیز مهارت یافت. رازی سال‌های بسیاری از عمر خویش را در تجزیه و ترکیب عناصر و مواد طبیعی صرف کرد و موفق به کشف الکل و تهیه‌های اسید سولفوریک شد. محمد بن زکریا علاوه بر تحقیقات علمی و طبابت، به تدریس و تربیت شاگردان نیز می‌پرداخت. تالیفات وی را تا حدود 250 اثر در رشته‌های مختلف علمی ذکر کرده‌اند که در زمینه‌های طب، طبیعیات، منطق، ریاضی و نجوم، تفسیر، فلسفه، مابعدالطبیعه، الهیات و... نگاشته است. از مهم‌ترین کتاب‌های محمد بن زکریا، الحاوی و المنصوری است.

تصویب معاهده ی ترکمانچای بین ایران و روس(1243 ق)

به موجب معاهده‌های ترکمانچای که پس از شکست ایران در دومین دوره‌های جنگ با روسیه در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار منعقد گردید، ولایات وسیع ایروان و نخجوان به روسیه واگذار شد. همچنین ایران سی میلیون روبل معادل پنج میلیون تومان به روسیه غرامت داد. حق کشتی‌رانی برای کشتی‌های روسی تأیید شد و اتباع روسیه در ایران نیز امتیاز قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون را به دست آوردند. دولت روسیه در برابر این همه امتیاز، تنها ولیعهدی عباس میرزا از شاهزادگان قاجار را به رسمیت شناخت. تولد "امانوئل کانت" فیلسوف شهیر آلمانی (1724م)

امانوئل کانت فیلسوف بلندآوازه آلمانی در بیست و دوم آوریل 1724م در کُنِیگسبرگ آلمان در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد و از کودکی به طبیعت علاقه‌مند شد. وی پس از پایان تحصیلات خود در رشته ریاضیات، الهیات و فلسفه، به تدریس در یک روستا پرداخت و بارها دعوت دانشگاه برلین برای تدریس فلسفه را رد کرد. کانت تا 46 سالگی شغل خاصی نداشت و از آن زمان، در دانشگاه شهر خود به تدریس فلسفه روی آورد. کانت در زندگی، بسیار منظم بود و کارهای خود را با نظم عجیبی انجام می‌داد. او در طی این سال‌ها، سیستم فکری خاصی به عمل آورد که در کلیه فلاسفه پس از او تأثیر داشته است. کانت هم‌چنین آثار متعددی به نگارش درآورد که نقد عقل محض، مبانی مابعدالطبیعه اخلاق، نقد عقل عملی و دین در حدود عقل از آن جمله‌اند. در این آثار، کانت نظریات خود را با مباحثاتی چنان بغرنج و در هم تشریح می‌کند که تلخیص آنها کار مشکلی است. کانت اشیاء را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی چیزهای مربوط به تجربیات ما که می‌توانند با مقولات فهم ما سازگار شوند، دیگر، چیزهای قائم بالذات که عقل ما نمی‌تواند به راحتی به کُنهِ آنها پی ببرد. کانت برای توضیح نارسایی عقل و درک حقیقت این ذات‌ها، بحث خود را با تنازعات احکام و تناقضات منطقی اصولی که نمی‌توان آنها را تحلیل کرد آغاز می‌کند و به این ترتیب ثابت می‌کند که زمان و مکان هم نامتناهی است و هم محدود، هم خدا وجود دارد و هم وجود ندارد. علم اخلاق و زیباشناسی نیز از نظر کانت بر همین مبانی استوار است. به عقیده کانت، در انسان احساسی اخلاقی هست که حکم می‌کند فلان کار خیر است و فلان امر، شر. خود انسان ممکن است عمل شر و زشتی را انجام دهد، ولی وجدان و احساس اخلاقی او، آن عمل را زشت خواهد دانست، و اگر چنین نبود، اصلاً پشیمانی معنی نداشت. پس عقل عملی، عقلی است که انسان را از پرداختن به کارهای زشت نهی می‌کند و به انجام اعمال نیک امر می‌نماید. کانت می‌گوید: چنان رفتار کن که دستور عمل تو بتواند قاعده کلی و جهانی گردد و نیز چنان عمل کن که شایسته انسانیت باشد چه در مورد شخص خود و چه در مورد دیگران. کانت هم‌چنین اعتقاد به اختیار، ابدیت و خدا را مربوط به ایمان می‌داند نه حکمت. کانت اعلام می‌دارد که دانش ما تماماً ناشی از تجارب حسی نیست و ذهن ما فقط بسته‌های از تأثرات نیست، بلکه دانش مطلق و مجرد از تجربه و نیز چیز معینی به نام ذهن وجود دارد. معرفت مطلق و ذهن متکی بر تجارب حسی ما چون شنیدن، دیدن، لمس کردن، چشیدن و بوییدن نیست، بلکه اموری قبلی هستند یعنی پیش از تجربه ما وجود دارند. بنابراین، حقایق کلی، ذاتاً محقق و معلوم‌اند و احتیاج به دریافت اشتباه‌آمیز ما ندارند. کانت در زمینه فلسفه دین، سیاست، تاریخ و علوم دقیق زمان خود نیز دارای تالیفات متعدد می‌باشد. امانوئل کانت سرانجام در 12 فوریه 1804م در زادگاه خود در هشتاد سالگی و در حالی که تمام عمر را به صورت مجرد زندگی کرد، درگذشت و در همان‌جا مدفون شد. بر سنگ قبر او یکی از عبارات معروف او را نوشته‌اند: دو چیز است که روح را به شگفت می‌اندازد و هر چه بیشتر بیندیشی شگفتی تو از آن دو چیز بیشتر خواهد شد. یکی آسمان پر ستاره‌های که بالای سر ما است و دیگری قانون اخلاقی، که در دل ماست.

آموزشی کشور انجام شود، از این رو دانشگاه‌ها از آن روز تعطیل شدند تا با مطالعه و دقت و فرصت کافی، تحولی بنیادین و اساسی در نظام دانشگاهی کشور پدید آید. این وظیفه به عهده ستاد انقلاب فرهنگی محول گردید تا این که دانشگاه‌ها در 27 آذر 1361 در سالروز وحدت حوزه و دانشگاه، بازگشایی شدند. این حرکت با هدف اسلامی کردن

دانشگاه؛ها و خارج ساختن عوامل طاغوتی بود که به انقلاب فرهنگی موصوف گردید.